



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۱۰

م. داؤد موسی

مؤجزی در مورد "سجده بر درگاه احمد ظاهر"



عرض اول من بر درگاه جناب معروفی صاحب تنها و تنها عبارت از یک اعتراف است و آن هم اینکه آغاز جنجال (یا بهتر بگویم، چنگوی) روی اینکه آیا مرگ مرحوم احمد ظاهر از اثر یک حادثه ترافیکی بوده است یا قتل عمد، در یک نوشته تاریخی ... من در همین پورتال تحت عنوان "ازین نوده پیوند کنید" بود. یکی از جملاتی که من در آن نوشته ام بکار برده بودم به این متن بود که "انسانها فطرتاً دوست دارند ببینند که آنهایی که در میان شان قهرمانانه زیسته اند، همچنان قهرمان وار نیز میرند [و به شانزه لیزه بروند]" (۱).

فکر میکنم که نوشته ابدار جناب معروفی صاحب تحت عنوان (سجده بر درگاه احمد ظاهر) منتشر تاریخی چهارم جون این پورتال نیز در زمره دیگر نکات به همین پندار من دکه خورده است.

ازین که بگذریم، امید من اینست که کدام بنیاد گرای سر خوش به دلیل اینکه سجده غیر از درگاه خدا (ج) برای معبود دیگری عین کفر است، محترم ما را محکوم به همین جرم کفر گویی نسازد. غافل ازین که خداوند (ج) در آیه ۳۵ سورة البقر در داستان خلقت آدم (ع)، بعد از معرفی آدم، به فرشتگان امر نمودند تا به وی سجده کنند. ازین گذشته، وقتی از آسمان هفتم به این دنیای فانی نزول کنیم، در شرح حال مولینای رومی می خوانیم که ایشان روزی در کوچه، حین روبرو شدن با یک روحانی نصرانی، از فرط شکسته نفسی، یکصد و یک بار به او سجده کردند. ذکر این رقم یکصد و یک بار اگر به نظر معروفی صاحب از قماش همان مبالغات شاعرانه:

نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پا

تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان زند

باشد، جا دارد. ولی اگر در واقع حضرت مولینا یک بار هم سجده کرده باشد، مأمول مرا بر آورده می سازد. به یاد بیتی از شاعر دیگر در همین موازات می افتم که در شأن پیامبر اسلام (ص) سروده اند:

تیر قضاء گرچه صافی گشاد است

کمان ابروش را غلام خانه زاد است

این بیت اگر چه به طوری که من نوشته ام از نظر عروضی درست نمی آید، ولی مراد آن اینست که تیر قضاء را - که همان مشیت الهی باشد - حضرت پیامبر اسلام با یک "پیشانی ترشی" به طور آمرانه از مسیرش منحرف می سازد. (صد بار العیاذاً بالله!).

پیروان دین هندو درین عقیده با ما مسلمانان شریک می باشند که خداوند تعالی به روز ازل سرنوشت هر مخلوق خود را - اعم از حیوان، نبات و جماد - (ذره به ذره) تعیین نموده است و نیز آن را درین دنیا و بعد آن به همان دقت ذاتیش مایکرو منجمت یا مدیریت ذره ای می نماید. اما فراتر ازین هندوان به این عقیده اند که علی الرغم این واقعیت، انسان می تواند سرنوشت خود را از طریق عبادت، صدقه، دعاء، جد و جهد و خدمت به دیگران به نفع خود منحرف سازد. متقابلاً طبق عقیده اسلامی خداوند (ج) از یکسو فعال مایرید (فاعل مختار است)، و از جانب دیگر بین امر اوتعالی و تعمیم آن فاصله زمانی صفر است که این خصوصیت را "کن، فیکون" می گویند. یعنی چون خداوند گفت "باش"، "پس بودند". لهذا بین "کن" و "یکون" اگر فاصله زمانی و مکانی صفر باشد، هیچ موجود دیگری قدرت مداخله را در بین آن دو ندارد. اما علی الرغم تمام این حقائق در جامعه ما مقوله "صدقه رد بلاست" معتقدان فراوانی دارد.

اکنون ما از نظر عقیدوی خود همین مقوله "صدقه رد بلاست" را از طریق یک سناریو به صحنه امتحان می کشیم: معشیت الهی بران رفته باشد که داود موسی فردا به ساعت دوازده ظهر و یک دقیقه و یک ثانیه از اثر صاعقه زدگی هلاک گردد. و نیز یک غیب گویی به وی از وقوع این حادثه اطلاع مؤثق می دهد. داود موسی در ظرف همین چند ساعتی که از عمرش باقیست، همه دار و ندار خود را به فقراء و مستضعفین صدقه می دهد. آیا کسی هست که بگوید به خاطر همین حرکت طائیانۀ داود موسی کدام ثانیه ای بر عمر وی افزوده می شود؟ یا اینکه به فحوا "إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ، لَا يَسْتَأْجِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ" (آیه ۳۴ سوره الاعراف). یعنی وقتی اجل شان فرا میرسد، یک ساعت نه پس انداخته میشود و نه پیش. یگانه منفعتی که ازین صدقات و خیرات داود موسی متصور است همانا اطاعت از وظیفه دینی و اخلاقی او میباشد که "دریاب ضعیفان را در وقت توانایی". آنهم بشرطی که به امید یاداش حتمی دنیوی یا اخروی نباشد.

مسأله دیگر قابل ذکر از آن "طب نبوی" میباشد که میگویند آنحضرت (ص) در علم طب ید طولایی داشته و به "نقل" از آن کتاب ها نوشته اند. اگر پیغمبر اسلام بر سیل لوحه های روی مطبان بعضی از دکتور صاحبان ما "متخصص عمومی طب" می بودند، باید روزانه اقلأ صدها نه، بلکه ده ها نفر برای معالجه به آن چنان مراجعه نموده و این واقعیت در کتب حدیث و سیره نبوی منعکس می گشت. که چنین نیست. در واقع، اگر پیغمبر اسلام در علاج کدام دردی تخصص داشت، همانا "درد عصیان" بود (۲).

باید به عرض برسانم که وفق لیستی که من چندین دهه قبل بدست آورده بودم، ذات باری تعالی (ج) در قرآن مجید در حدود بیست و چهار بار با جملات مختلف به آن حضرت (ص) گوشزد نموده که وی چیزی نمی داند. اینک مشتی از آن خروار:

۱. آیه ۱۸۷ سوره الاعراف: بگو دانش روز قیامت بدست خداوند منست که آن را مگر در هنگامش آشکار نمی کند. از تو می پرسند که گویی تو میدانی... بگو اگر میدانستم سود سر شاری میبردم.

۲. آیه ۳۴ سوره الاسراء: از چیزی که بدان آگاه نیستی، پیروی مکن.
 ۳. آیه نهم سوره الاحقاف: من نمیدانم با من و تو چه خواهند کرد.
 ۴. آیه ۴۵ سوره قاف: ما بهتر میدانیم که چه میگویند و تو بر آن تسلط نداری.
 ۵. آیه سوم سوره العبت: تو چه میدانی شاید او پاک باشد.
 ۶. آیه ۱۳ سوره البلد: و تو چه میدانی که کار مشکل چیست؟
 ۷. آیل دوم سوره القدر: و تو چه میدانی شب قدر چیست؟
 ۸. آیه سوم سوره القارعه: و تو چه میدانی القارعه (درهم کوبنده) چیست؟
 ۹. آیه ۱۳۴ سوره مرسلات: و تو چه میدانی روز فصل چیست؟
 ۱۰. آیه ۱۷ سوره الانفطار: و تو چه میدانی روز جزاء چیست؟
 ۱۱. آیه ۸ سوره المطففین: و تو چه میدانی دفتر بد کاران چیست؟ و بسا آیات دیگر در عین مورد.
 ۱۲. در مورد کاربرد کلمات "ما ادراک" (یعنی تو چه میدانی؟) که در چند تا از آیات فوق ذکر گردیده است، تفصیل لازمی اینست که فرق بین الفاظ (ادراک) و (علم) در زبان عربی بدین نحوه می باشد که علم به معنی دانش انتقالی یا اکتسابی از یک شخص یا چیز به شخص دیگر بوده، اما ادراک به معنی فهم بدون تعلیم است. نوعی از پروانگان همه ساله از شمال مکزیکو تا کشور کانادا حین پرواز به فاصله چند هزار کیلو متری در بین راه چندین بار تبدیل نسل می نمایند. اما هر نسل نو بدون آموزش قبلی میداند که بکدام سمت باید پرواز نماید تا به منزل مقصود برسد. به این میگویند علم لدنی که غیر اکتسابی یا نهفته در جین زنده جانان می باشد. برخی از ما این خاصیت را از روی خوش بینی بی مورد به پیامبر مقبول اسلام نیز نسبت میدهند که در واقع همان ادراک است و خداوند (ج) آن را در قرآن مجید یازده بار رد نموده است.
- به ارتباط موضوع نحن فیه، آیه مبارکه نمبر ۱۱۰ سوره الکهف "قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحى إِلَيَّ ... " یعنی [بگو ای محمد] که من مثل شما یک انسان میباشم و برایم وحی می آید" نیز دال برین است که پیغمبر اسلام (ص) من حیث یک انسان از دیگران فرقی نداشته و بزرگترین مزیت وی همین نزول وحی بر جناب شان بوده است. هم چنان آیتین اول و دوم سوره الفتح از قول کبریائی در خطاب به رسولش حین بسر رسیدن معاهده حدیبیه مشعر برین است که "إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا. لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ " یعنی ما برای تو فتح آشکاری را کارسازی نمودیم. برای اینکه الله (ج) گناهان گذشته و آینده تو را می آمرزد.
- مرحوم استاد شیدا برای غزلی تحت مطلع "شهی دارم که لو لاکش جناب کبریا میگفت" شهرت داشت. اصطلاح "لولاک" در زبان عربی به معنی (اگر تو نمی بودی) یا (اگر بخاطر تو نمی بود) میباشد. شرح فراتر آن چنین است که در حدیث قدسی آمده است که خداوند (ج) در خطاب به رسول مقبول (ص) فرموده است که "اگر بخاطر تو نمی بود، من زمین و آسمانها را خلق نمی کردم".
- تقریباً نیم قرن پیش که در کشور امریکا محصل پوهنتون بودم، با شخصی بنام پروفیسر فضل الرحمن که پاکستانی الاصل بود، آشناشدم. نامبرده استاد علوم اسلامی در یونیورسیتی شیکاگو بود و او را در زمانش بزرگترین دانشمند در همین ساحه علمی می شناختند. نظر او در مورد احادیث قدسی این بود که وقتی در صدر اسلام بازار جعل احادیث پیغمبر اسلام به اوج گرمی خود رسید، دیگر مردم برای حلال مشکلات ذات الیبنی به نقل احادیث آن مبارک

دل نمی بستند. همان بود که عده ای دست به یک سلسله احادیث جدید یازیدند که آن را (احادث قدسی) نام گذاشتند. فرق این احادیث با احادیث دیگر این است که احادیث قدسی کلام خداوند به الفاظ پیغمبر (ص) بوده، در حالی که احادیث عادی کلام پیغمبر از زبان خود او میباشد. داکتر فضل الرحمن عقیده داشت که نود در صد احادیث قدسی جعلی میباشد. چه خوش گفته اند که "اگر حقائق با عقائد من سازگاری ندارند، بدا بحال حقائق". چون جناب معروفی صاحب آغاز سخن شان را با ذکر کردار اهل غالیه (آنان که در کارها غلو میکنند) نموده بودند، من هم به استقبال گفتار شان همین مختصری را که در ذهن قصیر داشتم نوشته و سخن را به این حدیث مبارک خاتم المرسلین به پایان میرسانم: "در دین تان غلو نکنید. زیرا آنانی که قبل از شما چنین کردند، هلاک گردیدند". الله یاور.

-
- (۱) شانزه لیزه بزعم عقاید بعض از ادیان غربی محلیست در بهشت مختص برای قهرمانان.
- (۲) درین جا اشاره من به شعریست که در آوان بچگی از مرحوم استاد شیدا شنیده بودم به این قد و بالا: صبح صادق مرهم کافور دارد در بغل گر علاج درد عصیان میکنی بیدار باش.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

مؤجزی در مورد "سجده بر درگاه احمد ظاهر"

[d_moosa_۰۲_dar_more_dar_dargah_a_zaher.pdf](#)